



۱۰۹- گزینه‌ی «۴»

“had been going to” صورت خاصی از زمان گذشته‌ی کامل است که به آن «گذشته‌ی کامل عمدی» (past perfect intentional) می‌گویند. از این زمان در مواردی استفاده می‌شود که فرد قصد انجام کاری را در گذشته داشته، اما موفق به انجام آن نشده است. می‌توان این جمله را به این صورت بازنویسی کرد:
“I had planned to go to university ...”

۱۱۰- گزینه‌ی «۳»

نکته: با توجه به مفهوم فعل “prepare” و مفهوم کل جمله، زمان حال کامل مورد نیاز است تا نشان دهد عمل «منتظر بودن» تا کامل شدن عمل «آماده کردن» اتاق ادامه خواهد داشت.

۱۱۱- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «ساختن یک استادبوم بسیار بزرگ در یک شهر کوچک برنامه‌ی بسیار جنجال برانگیزی بود.»
(۱) جانبدار، طرفدار، ناتمام (۲) جنجالی، جدلی، جدال آمیز (۳) گسترش پذیر، فراگیر (۴) پهناور، بزرگ

۱۱۲- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «او در جریان برقراری صلح مؤثر بود، در نتیجه ملت به او احترام می‌گذاشت.»

(۱) مؤثر، سودمند، راهگشا (۲) مربوط (۳) سود ده، سودآور (۴) استوار، ثابت قدم

۱۱۳- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «او برای (دریافت) بورسیه واجد شرایط نبود.»
(۱) کیفی (۲) واجد شرایط، مطلوب (۳) شایان، قابل توجه، چشمگیر (۴) آگاه، باخبر

۱۱۴- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «او ۲۰ سال است که در بریتانیا زندگی می‌کند اما لهجه‌ی آمریکایی‌اش را حفظ کرده است.»

(۱) نگاه داشتن، از دست ندادن، حفظ کردن (۲) به دست آوردن، پیدا کردن (۳) بهتر کردن، پیشرفت کردن (۴) تاثیر گذاشتن (بر)، تحت نفوذ خود قرار دادن

۱۱۵- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «آن دسته از افرادی که مشاغل اداری دارند بایستی نسبت به آن‌هایی که مشاغل فیزیکی دارند، تمرینات جسمانی بیشتری انجام دهند.»

(۱) خستگی ناپذیر (۲) فیزیکی، دستی، وابسته به نیروی جسمانی (۳) حرکتی، پویا (۴) ساختگی، مصنوعی

۱۱۶- گزینه‌ی «۴»

ترجمه‌ی جمله: «میزان مرگ و میر در صورت ادامه‌ی جنگ ممکن است به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد.»

(۱) به طور واقعی (۲) خوشبختانه (۳) اساساً (۴) بطور قابل ملاحظه، به طور نسبتاً زیاد

زبان اختصاصی سراسری منمراً زبان ۹۱

تهیه و تنظیم: مرجان شیخی
ویراستار: مسعود پیربدایی

۱۰۱- گزینه‌ی «۳»

نکته: با توجه به حرف ربط “as” (همچنان‌که) و فعل “approach” (نزدیک شدن به) که ماهیت استمرار دارد، زمان حال استمراری به کار می‌رود.

۱۰۲- گزینه‌ی «۴»

نکته: بعد از “finish”، فعل دوم به صورت “ing-دار” می‌آید، در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۳» نادرست است. با توجه به مفهوم جمله، زمان حال کامل مورد نیاز است؛ “as soon as” به معنی «به محض این‌که» می‌باشد و جمله این مفهوم را می‌رساند که عمل «تاکسی گرفتن» باید بلافاصله بعد از «تمام شدن بسته‌بندی (وسایل)» انجام گیرد.

۱۰۳- گزینه‌ی «۱»

نکته: از آن جایی که قید منفی “not once” اول جمله قرار گرفته است، جمله باید به صورت سؤالی نوشته شود (inversion). در نتیجه گزینه‌های «۲» و «۳» که ساختار خبری دارند، نادرست هستند. با توجه به مفهوم جمله، زمان گذشته مورد نیاز است.

۱۰۴- گزینه‌ی «۳»

نکته: وجود قید منفی “never” در اول جمله، ساختار جمله را سؤالی می‌کند (inversion)، در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۴» که دارای ساختار خبری هستند، نادرست می‌باشند. از آن جایی که مفهوم جمله درباره‌ی تجربیات است، زمان حال کامل به کار برده می‌شود.

۱۰۵- گزینه‌ی «۲»

در جملات پیرو وصفی کوتاه شده در وجه معلوم، ضمیر موصولی و فعل “to be” را حذف کرده و فعل را به صورت “ing-دار” می‌نویسیم. جمله ابتدا به این صورت بوده است:

“The car which/ that was waiting ...”
حذف

۱۰۶- گزینه‌ی «۴»

نکته: اگرچه جمله ساختار امری دارد و سؤال ضمیمه در این نوع جمله‌ها به صورت “will you” می‌باشد، اما مفهوم جمله بیشتر جنبه‌ی تعارف دارد تا امر، در نتیجه کاربرد “won’t you” که لحن مؤدبانه‌تری دارد، صحیح است.

۱۰۷- گزینه‌ی «۳»

نکته: از بین گزینه‌ها، تنها گزینه‌ی «۳» به صورت صحیح به کار رفته است. به شکل صحیح دیگر ربط‌دهنده‌ی هدف و منظور توجه کنید:

“so that + فاعل + فعل”, “in order (not) to + فاعل + فعل”, “in order that + فاعل + فعل”

۱۰۸- گزینه‌ی «۴»

نکته: از آن جایی که “but” در جملات متناقض به کار می‌رود، فعل جمله‌ی اول باید به صورت مثبت به کار رود (دلیل نادرستی گزینه‌های «۱» و «۳»). با توجه به مفهوم جمله که بیانگر لزوم است، گزینه‌ی «۴» صحیح است.

۱۱۷- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «در این مقاله دیدگاه‌های سیاسی متفاوتی بازتاب داده شده است.»

- (۱) بازتاب دادن، مطرح کردن (۲) روانه کردن، اقدام کردن
(۳) انتشار دادن (۴) تخصص یافتن

۱۱۸- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «برنامه‌هایش سرانجام نتایج خوبی به همراه خواهند داشت.»

نکته: گزینه‌های «۱» و «۳» فاقد معنی می‌باشند. گزینه‌ی «۴» به معنی «به یک نوعی، در هر صورت» است. اگر چه گزینه‌ی «۴» نیز می‌تواند صحیح باشد، به نظر می‌رسد گزینه‌ی «۲» (سرانجام) مدنظر باشد.

۱۱۹- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «هوای تازه برای سلامتی ما مفید است.»

- (۱) خوش آهنگ، خوش صدا، موزون
(۲) سودمند، مفید
(۳) الهام بخش
(۴) کارگر، کاری، مؤثر

۱۲۰- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «تمرین می‌تواند اعتماد (به نفس) فرد را افزایش دهد، مشروط بر این که در آن زیاده روی نشود.»

نکته: این سؤال به نظر دارای ۲ جواب صحیح است. کاربرد *“stimulate”* به معنی «افزایش دادن» نیز در این جمله صحیح می‌باشد، اگرچه به نظر می‌رسد *“promote”* ارجحیت داشته باشد.

- (۱) ترقی دادن، افزایش دادن

- (۲) برانگیختن، تحریک کردن، تهییج کردن

- (۳) تنظیم کردن، میزان کردن، درست کردن

- (۴) تحریک کردن، افزایش دادن، برانگیختن

۱۲۱- گزینه‌ی «۴»

ترجمه‌ی جمله: «حفظ کیفیت ممتاز (فرایند) تحقیق در دانشگاه‌ها حیاتی است.»

- (۱) فرهنگی، تربیتی

- (۲) دقیق

- (۳) احساساتی، حساس

- (۴) حیاتی، واجب، اساسی

۱۲۲- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «این مدرسه را یک بانی خیر بخشنده ساخت.»

- (۱) نیکوکار، بانی خیر

- (۲) کنگره، پیمان، عرف

- (۳) بهره بردار، دینفع

- (۴) جزء

۱۲۳- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «نگه‌داری از یک کودک معلول به صبر زیادی نیاز دارد.»

- (۱) لازم داشتن، خواستن، نیاز داشتن

- (۲) جستجو کردن، جوییدن

- (۳) به دست آوردن، فراهم کردن، گرفتن

- (۴) دست یافتن (به)، رسیدن (به)، به دست آوردن

۱۲۴- گزینه‌ی «۳»

ترجمه‌ی جمله: «قاعده‌ی کلی این است که آموزش باید در اختیار همه‌ی کودکان تا سن ۱۶ سالگی باشد.»

نکته: *“law”* نسبت به *“principle”* از جدیت و شدت بیشتری برخوردار است، به طوری که عدم رعایت آن موجب برخورد شدید دولتی می‌شود. در ضمن، *“principle”* از معنای عام‌تری برخوردار است.

- (۱) قانون، قاعده

- (۲) سخن، گفته

- (۳) اصل، قاعده‌ی کلی

۱۲۵- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «دانشجویان برای گذراندن درس در دانشگاه بایستی به سطح به اندازه‌ی کافی بالایی برسند.»

- (۱) خردمندانه، عاقلانه

- (۲) به قدر کافی

- (۳) با شایستگی

- (۴) استوار، قاطعانه

۱۲۶- گزینه‌ی «۲»

نکته: بعد از فعل *“need”* در صورتی که به صورت فعل اصلی به کار رود، فعل دوم به صورت مصدر با *“to”* می‌آید (دلیل نادرستی

گزینه‌های «۱» و «۴»). *“Bangkok”* اگر چه اسم مکان است اما نقش فاعلی دارد، در نتیجه کاربرد *“where”* و *“in which”* در

گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» نادرست است.

۱۲۷- گزینه‌ی «۳»

نکته: از آن جایی که جمله مرکب است و جمله‌ی اول صورت کوتاه شده‌ی جمله‌ی پیرو وصفی نیست، حذف فعل *“to be”* در

ساختار مجهول این جمله نادرست است (دلیل نادرستی گزینه‌های «۱» و «۲»). کاربرد *“with”* به جای *“by”* در ساختار

مجهول گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست است. در ضمن، فعل *“enjoy”* بدون حرف اضافه به کار می‌رود.

گزینه‌های «۱» و «۳» نادرست است.

۱۲۸- گزینه‌ی «۴»

نکته: در گزینه‌ی «۴» با ساختار موازی (*parallel structure*) روبه رو هستیم. در این ساختار، صورت دستوری جمله‌ها که با

کاما به هم وصل شده‌اند، بایستی یکسان باشد (در این جا، زمان هر دو جمله گذشته‌ی استمراری است که فعل *“to be”* در

جمله‌ی دوم حذف به قرینه شده است). گزینه‌ی «۲» به دلیل حذف *“the”* قبل از اسم *“project”* و مفرد بودن *“achievement”* نادرست است.

گزینه‌ی «۴» نادرست است.

۱۲۹- گزینه‌ی «۳»

نکته: با توجه به ساختار *“... + مصدر با “to” + صفت + “to be” + “It”*، کاربرد *“this”* در گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست است. در ضمن،

چون جمله مرکب است، به ربط‌دهنده‌ای نیاز است تا جمله‌ی پایه را به جمله‌ی پیرو وصل کند (دلیل نادرستی گزینه‌های «۱» و «۲»).

گزینه‌ی «۳»

۱۳۰- گزینه‌ی «۱»

نکته: کاربرد *“along”* به معنی «در امتداد» در گزینه‌های «۲» و «۳»، هم از لحاظ مفهومی و هم از لحاظ ساختاری (*“along”*) با

حرف اضافه‌ی *“from”* به کار نمی‌رود) نادرست است. کلمه‌ی *“group”* در گزینه‌های «۲» و «۴» یا باید به صورت جمع یا با

حرف تعریف *“a”* به کار رود.

عکس‌های زیادی گرفتیم چون روز بسیار زیبایی بود. همین که پیچیدم، از میان درختان چشمم به خانه افتاد. یک ساحل شنی بزرگ که به طول (چندین) مایل رو به روی ما گسترده شده بود. متأسفانه هتل جدید چشم انداز قلعه را مسدود کرد.

۱۳۱- گزینه‌ی «۲»

نکته: عبارت "to take photographs" به معنی «عکس گرفتن» است.

۱۳۲- گزینه‌ی «۱»

نکته: بعد از "so horrible" اسم قرار نمی‌گیرد. از آن جایی که "day" قابل شمارش و مفرد است، به حرف تعریف "a" نیاز دارد (دلیل نادرستی گزینه‌ی «۳»). گزینه‌ی «۴» از لحاظ ساختاری غلط است.

۱۳۳- گزینه‌ی «۲»

نکته: عبارت "to turn the corner" به معنی «پیچیدن» است.

۱۳۴- گزینه‌ی «۴»

نکته: عبارت "to catch a glimpse of" به معنی «نگاه مختصر کردن به» است.

۱۳۵- گزینه‌ی «۲»

(۱) شن پوش (۲) شنی
(۳) کامیاب، موفق (۴) پاک، تمیز، ناب

۱۳۶- گزینه‌ی «۴»

(۱) اداره کردن، دیدن، پیمودن، پخش شدن
(۲) رسیدن

(۳) دراز کردن، طولانی کردن، کشیدن، دراز شدن

(۴) کشیدن، امتداد دادن، گستردن

۱۳۷- گزینه‌ی «۲»

(۱) ایستادن، نگاه داشتن، بند آوردن
(۲) بند آوردن، بستن، مسدود کردن
(۳) چپاندن، فرو کردن، گنجاندن (با زور و فشار)
(۴) به پایان رساندن

باب: فکر می‌کنم دیگر وقتش شده برای خودم یکی از آن صندلی‌های ماساژور برقی بگیرم.

آن: آخر برای چه؟

باب: داشتنش حال می‌دهد، فقط همین.

آن: از نظر من که هدر دادن پول است. آن‌جا هیچ چیز به درد بخوری ندارند؟

باب: خودت ببین.

آن: خب این همان چیزی است که دوست دارم بدست آورم: یک گلدان خودآبیاری!

باب: داری شوخی می‌کنی!

آن: نه، شوخی نمی‌کنم. فکر می‌کنم یکی از این‌ها خیلی به درد بخورد.

۱۳۸- گزینه‌ی «۳»

(۱) عالی به نظر می‌رسد. (۲) از نظر من ایرادی ندارد.

(۳) آخر برای چه؟ (۴) داری شوخی می‌کنی؟

۱۳۹- گزینه‌ی «۱»

(۱) فقط همین (۲) خوب است

(۳) خوب است (۴) فکر خیلی خوبی است

۱۴۰- گزینه‌ی «۴»

(۱) حالت خوب است؟

(۲) تو آدم خیلی خوبی هستی.

(۳) داری درباره‌ی چه چیزی صحبت می‌کنی؟

(۴) داری شوخی می‌کنی.

۱۴۱- گزینه‌ی «۳»

نکته: با توجه به مفهوم جمله، ربط دهنده‌ی "thus" (از این رو، بنابراین) مورد نیاز است.

۱۴۲- گزینه‌ی «۲»

(۱) پرستاری کردن، غم خوردن، علاقمند بودن
(۲) پیروزی یافتن (بر)، غلبه کردن (بر)
(۳) بسط دادن، پهن کردن، گسترش دادن
(۴) ترک گفتن، واگذار کردن، تسلیم شدن، رها کردن

۱۴۳- گزینه‌ی «۴»

(۱) جزئی، ناچیز
(۲) فعال، کنش‌گر
(۳) ابتدایی، مقدماتی، نخستین، عمده، اصلی
(۴) علاج ناپذیر، بی درمان

۱۴۴- گزینه‌ی «۱»

(۱) افزودن، زیاد کردن
(۲) وارد کردن
(۳) الهام بخشیدن، نفس کشیدن
(۴) فرض کردن، پنداشتن

۱۴۵- گزینه‌ی «۱»

نکته: فعل "save" (نجات دادن) با حرف اضافه‌ی "from" همراه است.

۱۴۶- گزینه‌ی «۳»

نکته: از آن جایی که جمله دارای مفهومی غیر واقعی است و بیانگر وضعیتی است که امکان وقوع آن در حال یا آینده وجود ندارد، کاربرد "would" صحیح است.

۱۴۷- گزینه‌ی «۲»

(۱) مشابه سازی شده (۲) نازا
(۳) سازگار (۴) ملکی، حسود

۱۴۸- گزینه‌ی «۳»

نکته: ضمیر ملکی "their" و ضمیر فاعلی "they" آخر جمله به کار نمی‌روند. با توجه به مفهوم جمله، گزینه‌ی «۳» صحیح است (their genetic characteristics → theirs).

۱۴۹- گزینه‌ی «۲»

نکته: در صورت یکسان بودن فاعل جمله‌ی پایه و جمله‌ی پیرو، می‌توان فاعل جمله‌ی پیرو را حذف کرد و فعل را به صورت "ing-دار" به کار برد.

۱۵۰- گزینه‌ی «۴»

(۱) رابطه، نسبت (۲) رفتار
(۳) رفتار، شیوه (۴) ویژگی

به واژه‌های مهم متن توجه نمایید:

master: خوب یاد گرفتن، تسلط یافتن (بر)

phonology: واج شناسی

ubiquitous: حاضر، همه جا حاضر

plain: آشکار، ساده، بدیهی

adept: ماهر

exploit: بهره برداری کردن (از)، بکارانداختن

conform: وفق دادن، مطابقت کردن، پیروی کردن

acquisition: اکتساب

identically: به طور یکسان

variability: تغییرپذیری

۱۵۱- گزینه‌ی «۳»

ترجمه‌ی جمله: «هدف اصلی متن تأکید بر تأثیر عامل سن بر یادگیری زبان است.»

۱۵۲- گزینه‌ی «۴»

ترجمه‌ی جمله: «کلمه‌ی "fossilize" (سخت شدن، تغییر ناپذیر شدن) در سطر ۴ نزدیک‌ترین معنی را به "become permanent" (همیشگی شدن، ثابت شدن) دارد.»

۱۵۳- گزینه‌ی «۳»

ترجمه‌ی جمله: «کلمه‌ی "they" در سطر ۷ به "explanations" اشاره دارد.»

با توجه به مفهوم جمله، به نظر می‌رسد گزینه‌ی «۲» صحیح است.

۱۵۴- گزینه‌ی «۴»

ترجمه‌ی جمله: «طبق متن، یافته‌ی یک تحقیق نشان می‌دهد که سن آشنایی با یک زبان دوم بر یادگیری تأثیری منفی گذاشت.»

۱۵۵- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «کلمه‌ی "who" در سطر ۱۷ به "students" اشاره دارد.»

۱۵۶- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «چرا محقق مهاجران را مورد بررسی قرار داد؟»
«برای شناسایی تفاوت‌های سنی در یادگیری زبان»

۱۵۷- گزینه‌ی «۳»

ترجمه‌ی جمله: «در کدام سطر از متن، نویسندگان به این که کودکان زبان مادری خود را آسان فرا می‌گیرند، اشاره می‌کنند؟»
«سطرهای ۱-۲»
به واژه‌های مهم متن توجه نمایید:

sharpshooter: تیرانداز ماهر

marksman: تیرانداز ماهر

demonstrate: ثابت کردن، نشان دادن

volunteer: داوطلب

۱۵۸- گزینه‌ی «۴»

ترجمه‌ی جمله: «متن در مورد (حرفه‌ی) شکار آبی چه می‌گوید؟»
«او به منظور زنده ماندن (و امرار معاش) شکار می‌کرد.»

۱۵۹- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «کلمه‌ی "folklore" (افسانه‌های قومی) در سطر اول نزدیک‌ترین معنی را به "traditional stories" (داستان‌های اجدادی) دارد.»

۱۶۰- گزینه‌ی «۳»

ترجمه‌ی جمله: «نویسنده اشاره می‌کند که آبی از اسم واقعی خود خوشش نمی‌آمد.»

۱۶۱- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «آبی به خاطر توانایی‌اش با تفنگ به شهرت رسید.»

۱۶۲- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «از چه لحاظ آبی با دیگر دختران تفاوت داشت؟»
«او در مسابقه‌ی تیراندازی برنده شد.»

۱۶۳- گزینه‌ی «۳»

ترجمه‌ی جمله: «دلیل احتمالی علاقه‌مند شدن باتلر به آبی قبل از ازدواجشان چه بود؟»

«(آبی) او را در سن پایین شکست داد.»

۱۶۴- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «ضمیر "their" در سطر ۱۰ به "the couple" (زوج) اشاره دارد.»

۱۶۵- گزینه‌ی «۴»

ترجمه‌ی جمله: «چرا آبی به سیگاری که در دهان ویلhelm بود شلیک کرد؟»
«او (ویلhelm) در نمایش شرکت کرد.»
به واژه‌های مهم متن توجه نمایید:

mighty: قوی، توانا، نیرومند

intercede: پادرمیانی کردن، میانجی‌گری کردن، مداخله کردن

revolt: شورش، طغیان، انقلاب

enormous: عظیم، بزرگ

pacify: آرام کردن، فرو نشاندن

rebellious: سرکش، یاغی

ennoble: تجلیل کردن (از)، شرافت دادن (به)

abet: برانگیختن (به)، تشویق کردن (به)، ترغیب کردن (به)

conquest: غلبه، فتح، تسخیر

flee: فرار کردن

sanctuary: جایگاه مقدس، پناهگاه

deliverance: رهایی، رستگاری

expedite: سرعت بخشیدن (به)، پیش بردن

refurbish: نو کردن، تعمیر کردن

troop: گروه، دسته‌ی سربازان

offset: خنثی کردن، جبران کردن

archery: تیراندازی، کمانداری

seize: به چنگ آوردن، تصرف کردن، توقیف کردن

۱۶۶- گزینه‌ی «۳»

ترجمه‌ی جمله: «آبی به نیابت از دیگر شهرهای دولتی یونان (در جنگ) با ایرانیان مداخله کرد.»
نکته: کلمه‌ی "intercede" که در سطر ۲ آمده، معادل "intervene" است.

۱۶۷- گزینه‌ی «۱»

ترجمه‌ی جمله: «داریوش برای آرام کردن آتشی‌های یاغی دست به اقدام زد.»

نکته: کلمه‌ی "pacify" که در سطر ۴ آمده است، معادل "calm" است.

۱۶۸- گزینه‌ی «۴»

ترجمه‌ی جمله: «همکاری شهروندان به آتشی‌ها نیرو بخشید.»
نکته: کلمه‌ی "ennoble" که در سطر ۵ آمده، معادل "give strength to" است.

۱۶۹- گزینه‌ی «۲»

ترجمه‌ی جمله: «مردم دلوس نمی‌خواستند (ایران را) به فتح یونان تشویق کنند.»
نکته: کلمه‌ی "abet" که در سطر ۸ آمده، معادل "encourage" است.

۱۷۰- گزینه‌ی «۴»

ترجمه‌ی جمله: «(نیروی) آتشی‌ها توسط تعدادی از سربازانی که از پلاتیا رسیدند، تقویت شد.»
نکته: کلمه‌ی "reinforce" که در سطر ۱۴ آمده، معادل "strengthen" است.